



دانشگاه امام صادق علیه السلام

معاونت آموزش و تحصیلات تکمیلی

پیشنهاد (طرح تفصیلی) پایان نامه کارشناسی ارشد

(۱) مشخصات دانشجو:

نام و نام خانوادگی: حسن شواهدی رشته تحصیلی: الهیات گرایش: فلسفه و کلام اسلامی
شماره دانشجویی: ۹۵۳۱۲۲۰ شماره تماس: ۰۹۱۶۰۹۲۶۶۴۸

(۲) مقررات مربوط به پیشنهاد پایان نامه کارشناسی ارشد:

دانشجو باید پیشنهاد تکمیل شده را پس از اخذ تأیید استاد راهنما و برای تصویب در گروه و دانشکده، به دفتر دانشکده تحویل دهد.
پس از تصویب پیشنهاد در شورای دانشکده، دانشجو باید مطابق دستورالعمل معاونت پژوهشی پیشنهاد خود را در ایراندک ثبت کند.
دانشجو باید پس از انتخاب واحد پایان نامه و تصویب پیشنهاد، تا اتمام نگارش پایان نامه در نیمسال (های) بعد نیز واحد پایان نامه را اخذ کند. عدم ثبت نام به منزله انصراف از تحصیل است.

(۳) عنوان پایان نامه (فارسی و انگلیسی):

چالش پذیرش توأمان نظریه جهان‌های ممکن و نظریه تشآن و راه‌حل‌های آن در اندیشه ملاصدرا

The challenge of Simultaneously Accepting the Theory of Possible Worlds and the Theory of Tasha'un and it's Solutions in Mulla Sadra's Thought

(۴) واژگان کلیدی (فارسی و انگلیسی)

علیت، جهان‌های ممکن، تشآن، نظام احسن، ملاصدرا

Causality, The Possible Worlds, Tasha'un, The Best Ordering of Things, Mulla Sadra.

(۵) نوع پژوهش:

■ بنیادی (نظری) □ کاربردی □ توسعه‌ای

(۶) مسئله پژوهش (تحریر محل نزاع):

مفهوم جهان‌های ممکن که نخستین بار در شکل‌واره بدوی خود توسط لایبنیتس مطرح شد، در نیمه دوم قرن بیستم توسط برخی از فیلسوفان تحلیلی توسعه یافت و برای حل برخی مسائل معناشناسی، فلسفه دین، فلسفه منطق، فلسفه ذهن و دانش منطق مورد استفاده قرار گرفت. از مفهوم جهان‌های ممکن تقریرهای مختلفی ارائه شده است.

خاستگاه اصطلاح «جهان‌های ممکن» آرای لایبنیتس (Leibnitz) است. لایبنیتس در بیان تفاوت میان حقایق عقلی (truth of reason) و حقایق واقع (truth of Fact) دسته اول را گزاره‌هایی می‌داند که در همه جهان‌های ممکن صادق‌اند، اما گزاره‌های دسته دوم، اینگونه نیستند (لایبنیتس، گوتفرید ویلهلم، (۱۳۷۲)، موندولوژی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، ص

۱۷۶). علاوه بر استفاده‌ای که لایبنیتس در مباحث منطقی و معرفت‌شناختی خود از مفهوم جهان‌های ممکن می‌کند، در الهیات (theology) خود نیز برای حل پاره‌ای از مسائل و به ویژه مسئله شرور (Problem of evils) از این مفهوم مدد می‌گیرد. او می‌گوید: از میان بی‌نهایت جهان ممکن خداوند جهان فعلی را آفریده است؛ زیرا دیگر جهان‌های ممکن از حیث کمال، ناقص‌تر از جهان فعلی بوده‌اند. جهان فعلی، بهترین جهان ممکن است و خداوند بهترین جهان ممکن را آفریده است. (Leibnitz. G. F. (1998), Theodicy, open court Publishing, p416)

مفهوم جهان‌های ممکن هر چند از دوران لایبنیتس استفاده شده است، اما در دوران اخیر بیشتر به واسطه نقشی که در دلالت‌شناسی منطق موجهات (semantics of modal logic) داشته، مورد توجه بوده است. ما در زبان طبیعی گزاره‌های فراوانی را به کار می‌بریم که شامل مفاهیمی همچون ضرورت و امکان است. گزاره‌های «ممکن بود باران نبارد»، «امکان داشت علی پزشک نشود»، «ممکن بود سعدی گلستان را ننوشته باشد»، «ضرورتاً $2 + 2 = 4$ » و «ضرورتاً هر مجردی بی‌همسر است» نمونه‌هایی از انبوه گزاره‌هایی است که در آن از مفاهیم امکان و ضرورت استفاده می‌شود. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در نظریه دلالت منطق موجهات مطرح است، بررسی شرایط صدق چنین گزاره‌هایی است. «گزاره سعدی گلستان را ننوشته است»، بی‌شک گزاره کاذبی است. در حالی که با اضافه کردن عملگر امکان بر سر این گزاره، گزاره «ممکن است سعدی گلستان را ننوشته باشد»، گزاره‌ای صادق خواهد بود. در این صورت، این سوال مطرح می‌شود که چه چیزی موجب صدق چنین گزاره‌ای شده است؟ بر اساس نظریه دلالت گزاره‌های ممکن باید گفت: این بدان معناست که در جهان ممکن دیگری، غیر از جهان فعلی، سعدی نویسنده گلستان نیست و صدق گزاره نیز ناشی از همین امر است. همچنین گزاره «ضرورتاً $2 + 2 = 4$ » به معنای آن است که در هر جهان ممکن دیگری، غیر از جهان فعلی نیز این گزاره صادق است. بنابراین، تبیین شرایط صدق گزاره‌های موجه ممکن و ضروری، در نظریه دلالت منطق موجهات، بر اساس مفهوم جهان‌های ممکن صورت می‌پذیرد. از همین جا مباحث هستی‌شناسانه جهان‌های ممکن نیز مطرح می‌شود که آیا جهان‌های ممکن واقعیت دارند یا اموری صرفاً انتزاعی و ذهنی‌اند؟ مهم‌ترین نظریاتی که در حوزه هستی‌شناسی جهان‌های ممکن وجود دارد، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از فعلیت‌گرایی یا واقع‌گرایی (actualism) و امکان‌گرایی (Possibilism) که از آن به رئالیسم (realism) نیز تعبیر می‌شود. نظریه امکان‌گرایی یا رئالیسم، برای سایر جهان‌های ممکن نیز به اندازه جهان واقع موجودیت قائل است و معتقد است وجود داشتن صرفاً به موجوداتی که در جهان واقع هستند، اختصاص ندارد بلکه موجودات در سایر جهان‌های ممکن نیز به اندازه موجودات این جهان انضمامی (concrete) هستند. به همین دلیل نیز این نظریه به انضمامی‌گرایی (concretism) نیز نامگذاری شده است. این بدان معناست که سایر جهان‌های ممکن، همچون جهان فعلی، اموری انضمامی‌اند.^۱

نظریه فعلیت‌گرایی یا واقعیت‌گرایی، در تقابل با امکان‌گرایی قرار دارد. بر اساس این نظریه، میان وجود داشتن و فعلیت داشتن فاصله‌ای نیست. این بدان معناست که جهان موجود صرفاً به جهان بالفعل منحصر می‌شود و چیزی به نام موجود غیر بالفعل (non-actual existent) وجود ندارد. تنها جهانی که از وجود انضمامی برخوردار است، جهان بالفعل است و سایر جهان‌های ممکن و موجودات ممکن، اموری انتزاعی‌اند (abstract). به همین دلیل، این نظریه انتزاعی‌گرایی (abstractism) نیز خوانده می‌شود. به هر حال هنوز درباره هستی‌شناسی جهان‌های ممکن از نظر فلسفی توافقی وجود ندارد و همچنان موضوعی بحث‌برانگیز است.

۱- هر یک از نظریات فعلیت‌گرایانه و امکان‌گرایانه دارای روایت‌های مختلفی هستند. کسانی همچون رابرت استالاکر (R. Stalnaker)، رودریک چیزم (R. Chisolm)، رابرت آدامز (R. Adams) و الوین پلنتینگا (A. Plantinga) از فعلیت‌گرایان محسوب می‌شوند که هر یک روایت خاصی از فعلیت‌گرایی ارائه داده‌اند. مهم‌ترین نظریه‌پرداز از امکان‌گرایی نیز دیوید لوئیس (D. Lewis) است که به لحاظ هستی‌شناسانه جهان‌های ممکن را بالفعل موجود می‌داند. در این میان، نظریه کریپکی (Kripke) درباره جهان‌های ممکن به فعلیت‌گرایی نزدیک است.

ممکن است معانی گوناگونی از مفهوم جهان‌های ممکن قابل تصور باشد، لذا ضروری است که مرادمان از مفهوم جهان‌های ممکن را در اینجا مشخصاً بیان کنیم. در ابتدا شایان ذکر است که مفهوم جهان‌های ممکن در علوم مختلف معانی و چه بسا کاربردهای مختلفی دارد از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- در فیزیک: در فیزیک جهان‌های ممکن به معنای جهان‌های موازی، جهان‌های کوانتومی، جهان‌های موازی در تئوری رشد بی‌پایان جهان و جهان‌های موازی در تئوری گرانش کوانتومی بکار برده می‌شود.

۲- در فلسفه: جهان‌های ممکن عمدتاً به تصورات و واقعیت‌های ممکن در جهان فراگیر اشاره دارد.

۳- در روانشناسی: جهان‌های ممکن به تصورات و تصویرسازی‌های فردی در ذهن افراد و نیز مجموعه باورها و ارزش‌های مرتبط با زندگی هر فرد اطلاق می‌شود.

۴- در ریاضیات: به مجموعه‌های مختلف از ساختارها و ترکیب‌های ممکن در یک نظریه خاص گفته می‌شود.

۵- در ادبیات و فیلم‌سازی: جهان‌های ممکن به معنای داستان‌ها و تصویرسازی‌های غیرواقعی و موازی بکار برده می‌شود.

۶- در فلسفه علم: در زمینه فلسفه علم، جهان‌های ممکن به نمونه‌هایی از امکانات و احتمالات مختلف در قوانین و تو صیفات علمی اشاره دارد. این مفهوم می‌تواند برای مدل‌سازی و تبیین رویدادها و پدیده‌ها در دنیای علمی استفاده شود.

۷- در علوم اجتماعی: جهان‌های ممکن به سناریوها و وضعیت‌های مختلف درباره جوامع، فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی و روابط اجتماعی اشاره دارد. با استفاده از جهان‌های ممکن می‌توانیم متغیرهای مختلفی را در مورد جوامع و اثرات آن‌ها بر رفتار و تصمیم‌گیری افراد بررسی کنیم.

۸- در روانکاوی و روانشناسی عمومی: در روانکاوی، جهان‌های ممکن به تصورات و داستان‌های موازی و تفسیرهای مختلف درباره روان و ذهن انسان اشاره دارد. این تصورات و داستان‌ها ممکن است برای تفسیر روانی و شناخت عملکرد روانی مورد استفاده قرار گیرد.

در نوشته پیشرو، مراد از جهان‌های ممکن، جهان‌هایی است که خداوند یا انسان می‌توانند آن‌ها را تصور کنند، گرچه بالفعل تحقق نداشته باشند. بهتر است مفهوم «جهان ممکن» را با توجه به جهان واقع (actual world) توضیح دهیم تا معنای روشن‌تری پیدا کند. مراد از جهان واقع، جهانی است که ما در آن به سر می‌بریم. مراد از این جهان، سیاره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم یا کهکشانی که در آن قرار داریم، نیست. نیز مراد ما از این جهان صرفاً جهان ماده (در مقابل جهان مثل، جهان نفوس و جهان عقول) نیست بلکه مراد از «جهان واقع»، «همه قلمرو هستی» است. همه آنچه که تحقق یافته است را جهان واقع می‌نامیم. ما انسان‌ها با شهودی بسیار قوی روبه‌رو هستیم که به ما می‌گوید جهان می‌توانست اوضاع و احوالی غیر از آنچه اکنون از آن برخوردار است داشته باشد. مهم نیست که این تغییر و تفاوت وضع جهان در کدام نقطه و درباره چه موجوداتی ممکن بود باشد. ممکن است این تغییر در یکی از امور بسیار جزئی باشد؛ مثلاً برگ درختان به جای سبز بودن، قرمز می‌بودند یا زرافه‌ها به جای داشتن گردنی بلند، گردن کوتاهی داشته باشند. روشن است که وضعیت‌های متفاوتی که می‌توان برای جهان واقع در نظر گرفت، بی‌نهایت است. این تفاوت و وضعیت، چنان که اشاره شد، می‌تواند در بخشی از جهان یا همه جهان روی دهد؛ در هر صورت، ما با جهان دیگری غیر از جهان واقع مواجه خواهیم بود. به هر یک از این جهان‌ها، یک جهان ممکن یا Possible World اطلاق می‌شود. بنابراین یک جهان ممکن مجموعه‌ای از اوضاع و احوالی است که جهان واقع می‌توانست از آن برخوردار باشد. و وضعیتی که جهان اکنون از آن برخوردار است نیز یک وضعیت ممکن است، لذا جهان واقع نیز یکی از بی‌نهایت جهان‌های ممکن است. (محمد صادق زاهدی، ۱۳۸۴، نامه حکمت شماره ۵، «آیا جهان‌های ممکن واقعیت دارند؟»، ص ۱۲)

به عقیده باورمندان به این معنا از جهان‌های ممکن، هر جزئی از جهان موجود که تغییر کند، کل آن جهان تغییر کرده است و ما با یک جهان ممکن دیگری مواجه خواهیم بود. بعنوان مثال می‌توان جهانی را تصور کرد که همه اجزای آن نظیر جهان

بالفعل ماست اما در آن اولین رئیس جمهور ایران به جای سید ابوالحسن بنی صدر، شهید رجائی باشد. چنین جهانی گر چه ظاهراً بالفعل وجود ندارد، ولی قابل تصور است و لذا معنای جهان ممکن بر آن صدق می کند و خداوند می تواند به جای این جهان که در آن، اولین رئیس جمهور ایران ابوالحسن بنی صدر است، جهانی را می آفرید که اولین رئیس جمهور ایران شهید رجائی باشد.

از سوی دیگر با ملا صدرا مواجهیم. او اصل علیت را به نظریه تشان بازمی گردانند. نظریه تشان در حقیقت نتیجه یک تحلیل فلسفی است که ملا صدرا بدان معتقد بود. یکی از نزاع هایی که پیشینیان ملا صدرا با آن گریبانگیر بودند، مسئله تبیین کثرات و سازگاری آن ها با وجود لاحدی واجب تعالی بود. در مبحث «کثرات» میان مشائیان، عرفا و ملا صدرا اختلاف نظر وجود دارد. مسئله این است که «کثرات» چه طولی (در عوالم گوناگون عقول، مثل، و...) و چه عرضی (در عالم ماده) چگونه با فعلیت محض ذات واجب تعالی و وجود لاحدی او قابل جمع است؟ وجود واجب تعالی لاحدی و فعلیت محضه است. از طرفی کثرات نیز وجود دارند. اما اگر کثرات وجود داشته باشند، آیا همچنان می توان قائل شد که وجود واجب تعالی لاحدی است؟ برخی از جهله صوفیه در پاسخ به این مسئله، تمامی کثرات را وهمی دانستند: «کلّ ما فی الّکون وهمّ أو خیال». در واقع این افراد قائل به وحدت وجود و موجودند و هر دو را خدا می دانند. وجود، خداوند است، موجود هم خداوند است و ما بقی هر چه هست، وهمی است. لذا عالم خداست و خداوند، عالم. این تبیین جهله صوفیه هم خلاف بداهت است و هم ظاهراً با ظاهر بسیاری از نصوص دینی سازگار. مشائیان که قول به اصالت وجود به آن ها نیز منسوب است، هم واجب تعالی و هم کثرات را موجود دانستند و در نتیجه برای معالیل نحوی استقلال قائل می شوند (دقت شود که «استقلال» معالیل در مقایسه با نظریه ملا صدرا فهم شود، نه اینکه مشائیان قائل به بی نیازی معالیل به علت و واجب تعالی باشند). ملا صدرا اما از آن جایی که هم مذاق عرفانی داشته و هم مذاق فلسفی، تلاش نمود میان این دو قول جمع کند. مرحوم صدر المتألهین رضوان الله علیه، پس از ساماندهی نظریه اصالت وجود، حقیقت معلول را رقیقه حقیقت علت دانست و با همین مطلب اثبات نمود که همه معالیل، از آن جایی که وجود ربطی (در مقابل وجود جوهری و وجود عرضی) دارند شأنی از شؤون علت خواهند بود.^۲ علت، خداوند است و همه ممکن الوجودها اطوار علتند. لذا ملا صدرا نه مانند عرفا کثرات را وهمی می داند و نه همچون مشائیان به معالیل یک نحو وجود استقلالی نسبت می دهد. بنابراین ملا صدرا این راه را که میان کثرات و وجود لاحدی خداوند سازگاری وجود ندارد، پیشنهاد می دهد. چرا که معالیل اساساً وجود استقلالی ندارند و عین الربط به واجب تعالی هستند. به عبارت دیگر ممکنات و واجب تعالی دو امر جدا از یکدیگر نیستند، بلکه همه ممکنات شأنی از شؤون واجب تعالی به شمار می آیند. تمام جهان که معلول واجب تعالی است، در واقع در واجب تعالی که همان علت است منطوقی است.^۳ همین تبیین در شؤونات واجب تعالی (= ممکنات = جهان ما سوی) نیز صادق است. نسبت علی و معلولی که در میان ممکنات نیز وجود دارد، با نظریه تشان قابل تبیین است. هر معلولی در واقع شأنی از شؤون علت است.

در وهله اول به نظر می رسد **نظریه جهان های ممکن با اصل علیت** به ویژه با تقریر صدرایی چندان سازگار نباشد. همانگونه که بیان شد ملا صدرا علیت را به تشان بازمی گرداند و معلول را شأنی از شؤون علت به شمار می آورد. حال که معالیل هیچ استقلالی از علت ندارند و طوری از اطوار علتند و به عبارت دیگر حقیقت علت در حقیقت معلول تجلی نموده و حقیقت معلول در واقع رقیقه حقیقت علت است، بنابراین اصلاً فرضی ندارد که یک معلول خاص از علت دیگری صادر شود و اگر از پایین ترین جزء سلسله معالیل آغاز کنیم و گام به گام به سمت علل حرکت کنیم، در نهایت به علت العلل می رسیم که واجب تعالی است. در واجب تعالی نیز تغییر و تغیر و دگرگونی راه ندارد. بنابراین این جهانی که از علت العلل صادر شده است، باید همان باشد که

^۲ این سخن مرحوم ملا صدرا با آراء برخی از عارفان هماهنگ است.

^۳ انطوای همه موجودات در واجب تعالی مفاد همان قاعده بسیط الحقیقه است که با قول به وجود کثرات در مراتب نازلتر وجود منافات

ندارد.

هست. در نتیجه اساساً نمی‌توان جهان ممکن دیگری (به معنایی که در بالا ذکر شد = جهان‌هایی که خداوند یا انسان می‌توانند آن‌ها را تصور کنند، گرچه بالفعل تحقق نداشته باشند) را تصور کرد. اگر هم جهان دیگری را تصور می‌کنیم این ناشی از عدم الاعتبار است. یعنی ذهن بشری این توانایی را دارد که رابطه میان علل و معلول را در جهان ممکن مفروض، لحاظ نکند و الا اگر رابطه علل و معلول را در جهان ممکن مذکور لحاظ کنیم، امکان تحقق و بلکه تصور چنین جهانی وجود نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه جهان‌های ممکن که به ذهن ما می‌آیند در واقع بخشی از جهان بالفعل ماست. بنابراین حتی اگر جهان‌های ممکن به لحاظ هستی‌شناسانه موجود باشند در واقع این جهان‌های ممکن در عرض جهان بالفعل ما نیستند، بلکه در طول آن و جزئی از این جهان هستند.

خلاصه آنکه با تکیه بر اصل علیت و بویژه نظریه تشان ملاصدرا چنین به نظر می‌رسد که بر کل نظام هستی، ضرورت غیر قابل تخلفی حاکم است و شاید بتوان گفت که غیرقابل تصور است که جهانی غیر از این جهان آفریده شود چرا که جهان هستی رقیقه ذات لایتغیر واجب تعالی است.

ما در این تلاش علمی بر آنیم تا نشان دهیم پذیرش توأمان نظریه تشان مرحوم صدرالمتهلین (رض) و نظریه جهان‌های ممکن چالشی اولیه را ایجاد می‌کند. اما این چالش را نیز می‌توان با دیگر مباحث فلسفی در اندیشه صدرایی همچون «تعدد اسماء و صفات الهی» و «اصل حرکت جوهری» و «قاعده لا تکرار فی التجلی» حل نمود.

پیشینه پژوهش:

در باب نظریه جهان‌های ممکن آثار متعددی نگاشته شده است که عمده این آثار نظریه جهان‌های ممکن را در منطق موجهات و بحث دلالت‌شناسی بررسی کرده و تعداد کمتری از این آثار از منظرگاه متافیزیکی به جهان‌های ممکن نگریسته‌اند. به برخی از این کتب و مقالات در ادامه اشاره کرده و دیگر آثار را در بخش منابع ذکر می‌کنیم:

۱. سعیدی مهر، محمد؛ ۱۳۹۴، «ضرورت، دلالت و جهان‌های ممکن»، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (نگارنده در این

کتاب، فصل جداگانه‌ای را به جهان‌های ممکن اختصاص داده است. وی در ابتدا جهان‌های ممکن را در منطق و فلسفه بررسی نموده و رهیافت‌های گوناگون به جهان‌های ممکن را شرح داده است. نویسنده از میان دیدگاه‌های مختلف، دیدگاه تحقق‌گرایی دیوید لویس و تجردگرایی پلنتینگا را برگزیده و به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است و در ادامه عنوان جداگانه‌ای را به بحث از تعیین هویت و شمارش‌پذیری جهان‌های ممکن اختصاص می‌دهد).

۲. زاهدی، محمد صادق؛ ۱۳۸۴، آیا جهان‌های ممکن واقعیت دارند؟، نامه حکمت، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴ (این مقاله دو دسته دیدگاه فیلسوفان در جهان‌های ممکن یعنی فعلیت‌گرایی و امکان‌گرایی را بررسی نموده و از میان آن‌ها به نقد روایت‌های دیوید لویس و کریپکی از امکان‌گرایی و رابرت استالنکر، رودریک چیزم، رابرد آدامز و الوین پلنتینگا از فعلیت‌گرایی می‌پردازد).

۳. اژه‌ای، محمد علی و معین، امراله؛ ۱۳۸۷، اختیار و جهان‌های ممکن از دیدگاه لایب نیتس، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۱، پاییز و زمستان ۸۷، شماره مسلسل ۲۰۵ (در این مقاله آراء لایب‌نیتس در خصوص نظریه جهان‌های ممکن، اختیار، ضرورت شرطی و ضرورت مطلق بررسی شده است. نویسنده در نهایت نشان می‌دهد که تلاش لایب‌نیتس برای مسئله اختیار، خود دشواری‌هایی را به دنبال داشته و در نهایت به موجبیت افعال انسانی منجر خواهد شد).

۴. زالی، مصطفی، عالمی، روح‌الله و قوام صفری، مهدی؛ ۱۳۹۱، جهان‌های ممکن در اندیشه پلنتینگا و نسبت آن با مفهوم نفس‌الامر در فلسفه اسلامی، مجله علمی-پژوهشی متافیزیک دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ (در این مقاله به تبیین پلنتینگا از ماهیت جهان ممکن پرداخته

می‌شود و نویسندگان نشان می‌دهند که مفهوم کلیدی در اندیشه پلنتینگا وضعیت امور است و وی یک جهان ممکن را وضعیت اموری بیشینه می‌داند. در ادامه این مسئله تبیین می‌شود که درک پلنتینگا از مفهوم جهان‌های ممکن با مفهوم نفس‌الأمر در نظر حکمای مسلمان قابل تطبیق است).

۵. زالی، مصطفی؛ عالمی، روح الله و قوام صفری، مهدی؛ ۱۳۹۲، جهان‌های ممکن انضمامی و نقد آن از دیدگاه حکمت متعالیه، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲ (در این مقاله پس از طرح نظریه دیوید لویس، به برخی از انتقادات مطرح شده به نظریه او اشاره می‌شود. سپس با استناد به قول حکمای مسلمان نشان داده می‌شود که چگونه مفاهیم وجهی را از واقعیت عینی می‌توان استنتاج کرد و برای تبیین مفاهیم وجهی، نیاز به فرض جهان‌های کثیر انضمامی نیست).

۶. فلاحی، اسداله و نبوی لطف اله؛ اعتبار در جهان‌های ممکن، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال نهم، شماره سوم (نگارنده در این مقاله مدعی است که با معرفی نوعی جدید از ادات‌های صدق و کذب، نظامی منطقی بر پایه منطق ربط طراحی کرده است که قضایا و قواعد آن در جهان ممکن معتبرند. چنین نظامی، علاوه بر حفظ تقارن، به رفع ناسازگاری موجود میان منطق جدید و منطق ربط می‌انجامد زیرا مانند منطق جدید، جهان‌های ممکن را معیار اعتبار قرار می‌دهد).

۷. صفری، عبدالرضا؛ ۱۳۹۵، آزمون جهان‌های ممکن از نظرگاه طرفداران ارجاع‌های مستقیم، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵ (در این مقاله، دیدگاه لایب‌نیتس در ارتباط بین واقعیت و فردیت، در پرتو برخی نظریات معاصر در مفهوم جهان‌های ممکن بررسی شده و بیان می‌شود که آثار لایب‌نیتس در پرتو برخی از این دیدگاه‌ها، زمانی که مورد آزمون قرار گیرند، خوانش متفاوتی از آنچه که در تلقی سطحی از این آثار است پیدا می‌کنند. نویسندگان با تطبیق نظرات لایب‌نیتس و کریپکی در نهایت نتیجه می‌گیرند که آراء لایب‌نیتس و کریپکی در نهایت اختلاف قرار دارند. زیرا از نظر لایب‌نیتس، ذات فرد شامل تمام محمولات خود است و هیچ تمایزی بین خصوصیات عرضی و ذاتی نیست، اما از دید کریپکی، آنچه برای فرد ذاتی است خصوصیات منشأ آن است).

۸. برنجکار، رضا؛ ۱۳۸۴، اختیار و علیت از دیدگاه ملاصدرا، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، شماره چهارم (نگارنده در این مقاله با تبیین علیتی که مد نظر صدرالمآلهین است، وی را جبرگرا معرفی می‌کند با این توضیح ملاصدرا علیت ضروری را با اختیار سازگار می‌داند. اما اختیاری که وی مطرح می‌کند عین جبر و اضطراب است با این توضیح که به عقیده ملاصدرا انسان دارای اراده است اما اراده او معلول شوق و شوق معلول علم و علم معلول عوامل خارجی و این عوامل خارجی در نهایت معلول خدا هستند. این نوع علیت نیز علیتی ضروری است. بنابراین با وجود علت، تحقق اراده انسان ضروری است و انسان نمی‌تواند اراده نکند).

۹. کتاب «Modalities: Philosophical Essays by Barcan Marcus»: این کتاب شامل مجموعه‌ای از مقالات روت بارکن مارکوس است که به تقسیم‌بندی مفاهیم و کاربردهای مختلف نظریه جهان‌های ممکن در فلسفه می‌پردازد.

۱۰. کتاب Possible Worlds: An introduction نوشته M. J. Cresswell: در این اثر کرسول به تقسیم‌بندی جهان‌های ممکن به روش‌های مختلف پرداخته و تأثیر آنها بر فلسفه را بررسی می‌کند.

۱۱. کتاب Possible Worlds and other Essays by J.L. Mackie: در این کتاب نویسنده به تقسیم‌بندی معانی و کاربردهای مختلف جهان‌های ممکن در فلسفه و استفاده از آنها در تحلیل مسائل فلسفی می‌پردازد.
۱۲. کتاب Actualism and Possible Worlds by L. Nathan Oaklander: در این اثر Nathan Oaklander به تقسیم‌بندی نظریه جهان‌های ممکن از جمله Actualism و Possibilism می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه این تقسیم‌بندی بر مفاهیم فلسفی تأثیر می‌گذارد.
۱۳. کتاب The Metaphysics of Possible Worlds اثر Francesco Berto: در این کتاب فرانچسکو برتو به تحلیل تقسیم‌بندی معانی جهان‌های ممکن و تعامل آنها با مسائل متافیزیکی می‌پردازد.

۷. اهمیت و هدف پژوهش

پرداختن به رابطه دو نظریه تشان و نظریه جهان‌های ممکن می‌تواند به زوایای جدیدی از نظریه تشان و نیز روشن شدن تر مفهوم جهان‌های ممکن و کاربرد آن در دانش‌های مختلف به ویژه فلسفه و منطق منجر شود. از طرف دیگر پرداختن به این دو مفهوم فلسفی می‌تواند تبیین جدیدی از برخی آموزه‌های دینی همچون «بدا» و «اختیار» ارائه دهد.

۸. سؤالات تحقیق:

۱. با پذیرش نظریه تشان در حکمت متعالیه، چه چالشی برای نظریه جهان‌های ممکن (به معنای جهان‌هایی که خداوند یا انسان می‌توانند آنها را تصور کنند گرچه بالفعل تحقق نداشته باشند) حاصل می‌شود؟
۲. در نظام فلسفی ملاصدرا، چه راهکارهایی برای حل این چالش وجود دارد؟

۹. فرضیه های تحقیق

- ۱- نظریه تشان در فلسفه ملاصدرا، در نگاه نخست، نظریه جهان‌های ممکن را ناپذیرفتنی می‌نماید. بر اساس نظریه تشان، جهان، رقیقه ذات خداوند است و چون ذات خداوند لایتغیر است تحقق جهان به گونه‌ای دیگر محال است. بنابراین، اساساً نمی‌توان فرض کرد که جهان دیگری غیر از این جهان، تحقق یابد و حتی تصور شود.
- ۲- هر چند که در نگاه نخست، پذیرش نظریه جهان‌های ممکن در فلسفه ملاصدرا با چالش همراه است، اما می‌توان با تمسک به بحث اسماء و صفات حق (به ویژه صفت اراده حق تعالی)، قاعده «لا تکرار فی التجلی»، اصل «حرکت جوهری»، «اختیار انسان» و مسئله «بدا» تحقق جهان‌های ممکن را با نظام فلسفی صدرایی سازگار دانست.

۱۰. روش انجام پژوهش:

در این پژوهش در ابتدا به بررسی معانی مختلف جهان‌های ممکن خواهیم پرداخت. سپس با مراجعه به عمده آثار فلسفی ملا صدرا نظریه تشان را تقریر نموده و نا سازگاری ظاهری آن با جهان‌های ممکن را تبیین خواهیم کرد. در ادامه با مراجعه به آثار فلسفی و تفسیری ملاصدرا تقریری از قواعدی نظیر «لا تکرار فی التجلی»، اصل «حرکت جوهری»، مسئله «بدا»، «اختیار انسان» و... ارائه نموده و نشان خواهیم داد که با تمسک به این مباحث می‌توان نظریه جهان‌های ممکن و تشان را با یکدیگر سازگار دانست. بنابراین روشی که در این پژوهش در پیش می‌گیریم، روش توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

(۱۱) سازماندهی تحقیق و فصول اصلی پژوهش:

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱- کلیات

۱-۱-۱. طرح مسئله

۱-۱-۲. پیشینه تحقیق

۱-۱-۳. ضرورت تحقیق

۱-۱-۴. سوالات تحقیق

۱-۱-۵. فرضیه‌های تحقیق

۲-۱- مفاهیم

۱-۲-۱. تعریف جهان‌های ممکن

۲-۲-۱. تعریف ارکان قاعده علیت

۳-۲-۱. تاریخچه و سیر تطور قاعده علیت

۴-۲-۱. نظریه تشان در اندیشه ملاصدرا

فصل دوم: تقابل دو نظریه تشان و جهان‌های ممکن

۱-۲-۱. نظریه تشان و لوازم آن

۱-۲-۱. رقیقه بودن جهان نسبت به خداوند

۲-۱-۲. عدم تغییر در ذات الهی

۳-۱-۲. احسن بودن نظام عالم بر اساس نظریه تشان

۲-۲-۲. نظریه جهان‌های ممکن و ابعاد آن

۱-۲-۲. جهان ممکن و دیدگاه فعلیت‌گرایی

۲-۲-۲. جهان‌های ممکن به عنوان وجودی مستقل از واقعیت

۳-۲-۲. جهان‌های ممکن به عنوان طبقه‌های متمایز از واقعیت

۴-۲-۲. جهان ممکن و دیدگاه امکان‌گرایی

۵-۲-۲. جهان ممکن به عنوان مجموعه‌ای از احتمالات و آینده‌های محتمل

۳-۲-۳. نحوه تقابل نظریه تشان با جهان‌های ممکن

۱-۳-۲. ناسازگاری در مسئله رقیقه بودن جهان

۲-۳-۲. ناسازگاری در مقام ذات لا یتغیر خداوند

۴-۲-۳. جمع بندی فصل

فصل سوم: راهکارهای سازگاری نظریه جهان‌های ممکن در نظام فلسفی ملاصدرا

۱-۳-۱. راهکار اول: تبیین جهان‌های ممکن در نظام صدرایی بر اساس تعدد اسماء و صفات الهی

۲-۳-۱. راهکار دوم: تبیین جهان‌های ممکن در نظام صدرایی بر اساس اصل حرکت جوهری

۳-۳-۱. راهکار سوم: تبیین جهان‌های ممکن در نظام صدرایی بر اساس قاعده لا تکرار فی التجلی

۴-۳-۱. راهکار چهارم: تبیین جهان‌های ممکن در نظام صدرایی بر اساس مباحث اختیار انسان در حکمت متعالیه

۵-۳-۱. راهکار پنجم: تبیین جهان‌های ممکن در نظام صدرایی بر اساس مسئله بدا در حکمت متعالیه

۶-۳-۱. جمع بندی فصل

نتیجه گیری

- ۱- ابن سینا، حسین، ۱۴۰۳ ق، الاشارات والتنبیها، تهران، دفتر نشر کتاب
- ۲- ابن سینا، حسین، ۱۴۱۸ ق، الاهیات من کتاب الشفاء، تحقیق حسن حسن زاده آملی، قم، مرکز الاعلام الاسلامی، مرکز النشر
- ۳- بهمنیار، ۱۳۷۵، التحصیل، تهران، دانشگاه تهران
- ۴- تراوری، عبدالله و دیوانی، امیر؛ ۱۳۹۴، جهان‌های ممکن و نظام احسن در اندیشه فخر الدین رازی، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم، سال هفدهم، شماره دوم
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، حقیق مختوم، تحقیق حمید پارسانیا، قم، اسراء
- ۶- حسامی‌فر، عبدالرزاق؛ ۱۳۸۷، علیت در اندیشه جلال الدین دوانی و ملاصدرا، خردنامه، شماره ۵۲
- ۷- ذبیحی، محمد و صیدی، محمود؛ ۱۳۹۲، دیدگاه سه‌روردی و ملاصدرا درباره علیت مثل و عالم خیال منفصل، دو فصلنامه علمی - پژوهشی حکمت صدرایی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲
- ۸- راغبی، کاظم و محمدرضایی، محمد؛ ۱۳۹۸، بررسی استدلال جهان‌شناختی جدید بر مبنای جهان‌های ممکن و اصل جهت کافی حداقلی، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تأملات فلسفی دانشگاه زنجان، سال نهم، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- ۹- رید، استیون، ۱۳۸۵، فلسفه منطق ربط، اسدالله فتحی، قم، انتشارات دانشگاه مفید
- ۱۰- سبزواری، ملاهادی، ۱۳۶۰، تعلیقات الشواهد الربوبیة، مشهد، مرکز نشر دانشگاهی
- ۱۱- سعیدی مهر، محمد و سعیده‌سادات شهیدی، اصل علیت بر مبنای وحدت شخصی وجود در حکمت متعالیه، مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۱۵ - ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۲
- ۱۲- شکر، عبدالعلی، ۱۳۸۹، اثبات وجود رابط بر مبنای تحلیل رابطه علی معلولی، خردنامه صدرا، شماره ۸۲
- ۱۳- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۵۹، اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم، مرکز انتشارات اسلامی
- ۱۴- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۶، نهایة الحکمة، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- ۱۵- طباطبایی، محمد حسین، ۱۹۸۱ م، تعلیقه علی الأسفار الأربعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- ۱۶- طوسی، نصیر الدین، ۱۳۷۵، شرح الإشارات والتنبیها مع المحاکمات، قم، نشر بلاغت
- ۱۷- فیاضی غلامرضا، ۱۳۸۰، نهایة الحکمة، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۱۸- کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، انتشارات سروش
- ۱۹- گوهری‌پور، مرتضی؛ ۱۳۸۸، معنا و مفهوم فرهنگ عمومی در پرتو جهان‌های ممکن، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۸
- ۲۰- لایب‌نیتس، گوتفرد ویلهلم، ۱۳۷۲، مونا‌دولوژی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
- ۲۱- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۵، دروس فلسفه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲۲- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۳، آموزش فلسفه، تهران، امیر کبیر

- ۲۳- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۳، شرح نه‌ایه‌ الحکمه، قم، موسسه‌ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۲۴- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا
- ۲۵- ملاصدرا، محمد، ۱۳۶۱، العرشیه، تصحیح علام‌حسین آه‌نی، تهران، انتشارات م‌ولی
- ۲۶- ملاصدرا، محمد، ۱۳۶۳، المشاعر، چاپ دوم، تهران، کتابخانه طهوری
- ۲۷- ملاصدرا، محمد، ۱۳۷۵، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین؛ تصحیح حامد ناجی اصفهانی؛ تهران، انتشارات حکمت
- ۲۸- ملاصدرا، محمد، ۱۳۷۸، أجویه‌ المسائل، تهران بنیاد حکمت اسلامی صدرا
- ۲۹- ملاصدرا، محمد، ۱۳۸۱ ق، المبدأ والمعاد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
- ۳۰- ملاصدرا، محمد، ۱۹۸۱ م، الحکمه‌ المتعالیه‌ فی الأسفار العقلیه‌ الأربعة، قم، منشورات مصطفوی
- ۳۱- ملاصدرا، محمد، رساله‌ خلق الأعمال، تهران، نشر علوم اسلامی
- ۳۲- م‌وح‌د، ضیاء، ۱۳۸۱، منطق م‌وجهات، تهران، و‌مس
- ۳۳- نبوی، لطف الله؛ ۱۳۸۶، مدل تعادلی - تجانسی جهان‌های ممکن و نظریه‌ ضرورت بتاته، حکمت و فلسفه، سال سوم، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۶
- ۳۴- نیک نفس دهقانی، لیلی و حسینی شاهرودی، سید مرتضی؛ تجلی و تشآن در فلسفه‌ ملاصدرا، مجله‌ تخصصی کلام اسلامی، سال هجدهم

35- Adams. R.M, 1974, Theories of Actuality, Nous. 8.

36- Ahti-Veikko Pietarinen, 2006, Peirce's Contributions to Possible-Worlds Semantics, *Studia Logica: An International Journal for Symbolic Logic*, Vol. 82, No. 3, Ways of Worlds 1: On Possible Worlds and Related Notions (Apr., 2006)

37- Belnap, N. D. & J. M. Dunn, 1981, "Entailment and the Disjunctive Syllogism", *Contemporary Philosophy: a new survey*, vol. I, ed. G. floistad and G. H. von Wright, The Hague ; Also: *Philosophy of language/Philosophical logic*, ed, G. Flaistad and G. H. von Wright, The Hague (Martinus Nijhoff)

38- Blumenfeld, D, Freedom, Contingency, and Things Possible in Themselves, 1988, in Woolhouse, R, S, 1944 (ed), G. W. Leibniz, *Critical Assessments*, Routledge.

39- Bradly. Raymond, 1988, possible worlds. Hackett publishing

40- Bricker, Phillip, 2008, "Concrete Possible Worlds", in *Contemporary Debates in Metaphysics*, Ed. By Theodor Sider, John Hawthorne and Dean W. Zimmerman, Oxford: Blackwell Publishers

41- Chihara, Charles S. (1998) *The Worlds of Possibility: Modal Realism and the Semantics of Modal Logic*, Oxford: Clarendon Press.

42- Chihara, Charles S., 1998, *The Worlds of Possibility: Modal Realism and the Semantics of Modal Logic*, Oxford: Clarendon Press.

43- Chisolm. R, 1970, Events and properties, Nous. 4.

44- Divers, John, 2002, *Possible Worlds*, London: Rutledge.

45- Gabby & John Woods (eds.), *Handbook of the History of Logic: Inductive Logic*. North Holland: Amsterdam.

- 46–Hale. Bob, 2000, *Modality in A companion to the philosophy of language*, edited by Crispin Wright and Bob Hale, Oxford: Blackwell.
- 47–Harrison, J. (1999) *The Impossibility of 'Possible' Worlds*. In *Philosophy*
- 48–Hughes. G and W.Cresswell, 1998, *A new introduction to Modal logic*, London: Routledge.
- 49–Id. Peter, 1986, *Two concepts of possible world*, in *Midwest studies in philosophy XI*.
- 50–Id., 1984, *Actualism and Thisness*, *synthese*.
- 51–Inwagen. Peter, 1980, *Indexicality and Actuality*, *philosophical Review*. XXX IX. No. 3
- 52–Jolley, N., 2005, *Leibniz*, Routledge, First published.
- 53–Kripke, S., 1963a, 'Semantical Analysis of Modal Logic I, Normal Propositional Calculi', *Zeitschrift für Mathematische Logik und Grundlagen der Mathematik*
- 54–Kripke, S., 1963b, 'Semantical Considerations on Modal Logics', *Acta Philosophica Fennica* (1963) *Modal and Many-Valued Logics*
- 55–Kripke, S., 1965, 'Semantical Analysis of Modal Logic II, Non-Normal Modal Propositional Calculi', *The Theory of Models* ed. J. W. Addison, L. Henkin, . Tarski, Amsterdam
- 56–Kripke, S., 1959, 'Completeness Theorem in Modal Logic', *Journal of Symbolic Logic* 24 (1959).
- 57–Latta, R., 1951, *The Monadology and Other philosophical writings*, Oxford University
- 58–Leibniz. G. W., 1982, *New Essay On Human Understanding*, Abridged Edition Translated Edited by Peter Remants Jonathan Benntaphysics, Cambridge University
- 59–Leibniz. G. W., 2006, *The shorter Leibniz Texts*, Translated Lloyd Strickland, Continuum.
- 60–Leibniz. G. F. (1988), *Theodicy*, open court Publishing
- 61–Leibniz, 1956, *Philosophical Papers and Letters*, translated and edited by Loemker, L. E., Routledge
- 62–Leibniz. G. W., 1998, *Theodicy, Essays on the Goodness of God, the Freedom of Man and the Origin of Evil* translated by E. M. Huggard, Open, Court Chicago and La Salle Illinois.
- 63–Merrihew Adams, Robert, 1994, *Leibniz Determinist Theist Idealist*, Oxford University Press.
- 64–Meyer, R. K., 1974, "New axiomatics for relevant logics – I". *Journal of Philosophical Logic*
- 65–Parkinson, G. H. R., 1995, *The Cambridge Companion to Leibniz*, Edited By Jolley. Nicholas, Cambridge University.
- 66–Plantinga, A., 1979, *Actualism and Possible Worlds*. in "The Possible and the Actual", edited by M. Loux, Ithaca: Cornell University Press
- 67–Plantinga, Alvin, (1974), *The Nature of Necessity*, Oxford: Oxford University Press.
- 68–Pruss, Alexander Robert, 2001, *Possible Worlds, What They Are Good for and What They Are*, University of Pittsburgh.
- 69–Read, Stephen, 1988, *Relevant Logic*. Basil Blackwell, Oxford.

- 70-Rescher, N., 1952. Cotingence in The philosophy of Leibniz, An Edited by Woolhouse. R. S. 1994, G. W., Leibniz, Critical Assessments, Routledg.
- 71-Rescher. Nicholas (1922), How Many Possible Worlds Are There, Philosophy and Phenomenological Review.
- 72-Restall, Greg, 2000, An Introduction to Substructural Logics. London and New York, Routledge
- 73-Routley, F. R. & Meyer, 1972, "The semantics of entailment (II)", Journal of Philosophical Logic
- 74-Routley, F. R. & Meyer, 1973, "Semantics of Entailment". In Hugues Leblanc, editor, Truth Syntax and Modality, pages 194–243. North Holland, 1973. Proceedings of the Temple Iniversity Conference on Alternative Semantics.
- 75-Rutherford. D and Cover. J. A., 2005, Leibniz Nature and Freedom, Oxford University.
- 76-Savile, A., 2002, Leibniz and Monadology, Routledge.
- 77-Stalnaker, Robert (1970), Possible Worlds. Nous, 19
- 78-Woolhouse, R. S. 1994, G.W., Leibniz, Critical Assessments, Routledge.

(۱۳) اطلاعات مربوط به استاد راهنما:		
نام و نام خانوادگی: دکتر محمد کاظم فرقانی اله آبادی	رشته / تخصص: فلسفه و کلام	رتبه دانشگاهی: دانشیار
نشانی و تلفن: : آدرس پست الکترونیک استاد جهت ثبت در ایرانداک (email)		

(۱۴) اطلاعات مربوط به استاد مشاور پیشنهادی:^۴		
نام و نام خانوادگی: علیرضا دارابی	رشته / تخصص: منطق، فلسفه منطق	رتبه دانشگاهی: استادیار
نشانی و تلفن: : آدرس پست الکترونیک استاد جهت ثبت در ایرانداک (email)		

(۱۵) جنبه جدید بودن و نوآوری پایان نامه: « هر چند در بادی نظر گمان می شود نظریه جهان های ممکن با ضرورت علی و معلولی و نظریه تشان ناسازگار است اما در این پایان نامه تلاش می شود بر اساس برخی مبانی و نظریه های فلسفی و عرفانی ملاصدرا آن ها با هم سازگار جلوه داده شوند. این تلاش، جنبه نوآوری این پایان نامه است.» تاریخ / امضاء استاد راهنما 
--

(۱۶) تحویل پیشنهاد به دفتر دانشکده نسخه اولیه در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۱، دریافت شد تاریخ / نام و امضای کارشناس دانشکده

(۱۷) تأیید مدیر گروه: نسخه اولیه پیشنهاد دانشجوی، در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۱ در جلسه گروه، بررسی شده و کلیات آن به تصویب رسید. نسخه تفصیلی پیشنهاد در تاریخ سوم تیر ۱۴۰۲ به گروه تحویل شد. این پیشنهاد در تاریخ چهارم تیرماه در جلسه گروه مطرح شد و اصلاحاتی از دانشجوی درخواست شد. اصلاحات در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۴۰۲ دریافت شد. پروپوزال نهایی در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۴۰۲ به تصویب رسید. تاریخ / امضاء مدیر گروه 
--

۴ مطابق بند ۸ ماده ۲ دستورالعمل پایان نامه، استاد راهنما می تواند استاد مشاور را با تأیید شورای گروه و شورای دانشکده، به عنوان همکار خود و عضو هیأت داوران پیشنهاد کند.